



دولت نهم به این دلیل مورد تخریب دو موج داخلی و خارجی قرار گرفته است که گفتمان او گفتمان امام خمینی است.
(مقام معظم رهبری)

نبض - ارگان رسمی بسیج دانشجویی پردیس دانشکده های فنی دانشگاه تهران | سال اول، شماره دهم، خرداد ماه ۱۳۸۸
مدیر مسئول: علیرضا امامی | سردبیر: محمد ثقفی | پیامک: ۰۹۱۲۷۶۳۹۲۲۴ | nabz@bddf.ir

سرمقاله

محمد ثقفی

زهرة موسوی گرمارودی

امام هنوز مظلوم است!

همیشه وقتی ابراز ناراحتی و تمسخر دوستان خودم را در یکی از تشکل ها، درباره ی کمک جمهوری اسلامی به مقاومت فلسطین و لبنان می دیدم، این سؤال در ذهنم نقش می بست که تشکلی که سلفش، دانشجویان خط امام بوده اند و اعضای فعلی اش امام را ایدئولوگ خود می دانند و به همین علت با تندروهای چپ و لیبرال ستیز دارند، چگونه آرمان بلند امام در حمایت از همه ی مسلمین و مستضعفین جهان و پناه دادن همه ی نهضت های آزادی بخش را از یاد برده اند؟ مگر نشنیده اند که پیر جماران گفت: « ما باید در ارتباط با مردم جهان و رسیدگی به مشکلات و مسائل مسلمانان و حمایت از مبارزان و گرسنگان و محرومان با تمام وجود تلاش نماییم. و این را باید از اصول سیاست خارجی خود بدانیم. » و این را مگر نشنیدند: « ما اعلام می کنیم که جمهوری اسلامی ایران برای همیشه حامی و پناهگاه مسلمانان آزاده جهان است. ». با خود می گفتم که خوب، شاید نمی دانند!

هرگاه که می شنیدم این دوستانم، از بیان جعلی بودن اسرائیل و لزوم نابودی این رژیم و دفاع از مقاومت فلسطین از تریبون های جهانی شرمند می شدند و این را دور از عرف دیپلماتیک و به ضرر کشور می دانستند، به ذهنم خطور می کرد که این جمله ی امام آیا از یادها رفته است که «اسرائیل باید از صحنه ی روزگار محو شود» یا این که «مسئولین محترم کشور ایران و مردم ما و ملت های اسلامی از مبارزه با این شجره خبیثه [اسرائیل] و ریشه کن کردن آن، دست نخواهند کشید» یا از این خطاب امام به مقاومت فلسطین زمان زیادی گذشته است؟ «تا یک نفر یهودی آن جا هست کار شما تمام شده است». به خودم تشر می زدم که خوب! بالاخره صحیفه ی امام ۲۲ جلد است!

از ابتدای امسال دیدم که در نشریه های این تشکل، به لزوم احیای گفتمان امام می پردازند و وضع فعلی را نقد می کنند. خوشحال از این اتفاق خجسته، متون این نشریات را مطالعه می کردم، اما آخر امر می دیدم که از خط امام فقط پرداخته اند به جمهوریت و احترام به مردم و آزادی بیان و ادامه در صفحه آخر...

استراتژی تبلیغاتی یا بی اخلاقی سیاسی

روند می نشینند روی آن چیزهایی که عیب و علت است، آن را میگویند. (۵۹/۱۰/۱۳)
گروهک هایی هستند که می خواهند یکی اینهایی که مشغول خدمت به این مملکت هستند از نظر مردم بیندازند و آنها را از ملت جدا کنند. [...] نباید ما اگر در یک جمعیتی یک آدم غیر صالح پیدا شد تمام آن گروهها را بکوبیم. نباید ما بدون دلیل و بدون شاهد یک مطلبی را قبول بکنیم. (۵۹/۱۰/۲۹)



توطئه آزاد نیست، انتقاد آزاد است. بنویسند، بگویند، انتقاد کنند، اما توطئه کردن و دنبال این باشند که

تضعیف کنند جمهوری اسلامی را، تضعیف کنند ارگانهای این جمهوری را، آن است که دست در کار است، و ماورای او دستهایی است که گرداننده هستند... اینها معلوم است یک دستی پشتش هست که مردم را هل بدهد و از صحنه بیرون کند. (۶۲/۳/۷)

از جمله اموری که اجانب به آن دامن می زنند، همین مسئله ی انتخابات است. هر انتخاباتی که در ایران می شود اینها می گویند: مردم این دفعه نمی آیند، مردم سست و خسته شده اند. و شما دیدید که در انتخابات گذشته، از انتخابات اصل نظام جمهوری گرفته تا مجلس خبرگان برای قانون اساسی، مجلس و روسای جمهور، مردم هر دفعه بهتر از دفعه ی قبل شرکت کرده اند. الان هم عده ای در خارج نشسته اند و تبلیغ میکنند که این دفعه دیگر مردم خسته شده اند و شور سابق را ندارند و از این قبیل حرفها. اینها اکثرا عقده های درونی آنها حل میشد چنین صحبت هایی را نمی کردند. همین منافقین و دیگران که مردم آنها را از ایران بیرونشان کرده اند، در خارج نشسته اند و می گویند: مردم با ما هستند. (۶۱/۹/۳)

در شرایطی به انتخابات دهم نزدیک می شویم که برخی کاندیداها و حامیانشان ارائه برنامه های دولت آینده خود را کافی ندانسته (و حتی در مواردی لازم هم نשמرده) و به تخریب سایر کاندیداها (بخوانید کاندیدای مورد نظر) می پردازند. سیاستی که موجب شد تا در انتخابات دور قبل نتیجه انتخابات، متفاوت با پیش بینی برخی تحلیل گران باشد.
سخن را کوتاه و با فرمایشاتی از امام(ره)، اسوه ی کامل اخلاق و سیاست کلام خویش را مزین می کنم:
امروز تضعیف دولت و شایعه سازیها و دروغ پردازیها مخالف

صلاح ملت و مستضعفین و کمک به دشمنان ملت و کشور است. و کسانی که گروهها را وادار به اعتصاب و تحصن و تضعیف دولت میکنند، مخالفین نهضت و از طرفداران اجانب و یا اعمال آنها به نفع اجانب است. (۵۸/۵/۱۷)

یکی از چیزهایی بزرگی که اینها دارند، این است که سمپاشی کنند، به طوری که ما را از این انقلاب مأیوس کنند. این یکی از کارهای بزرگ اینهاست که می خواهند بکنند که از این انقلاب ملت ما مأیوس بشوند و بگویند خوب کاری انجام نگرفته. اگر کارهای دست اول است که عرض کردم همه اش انجام گرفته است. کارهای دست دوم هم چیزی است که مشغول انجامش هستند. همین در دولت آقای بازرگان چقدر کارها انجام گرفته، چقدر خانه سازیها شده؛ و بی انصافها میگویند یک خانه ساخته نشده. (۵۸/۸/۱۶)

از مسائلی که در مطبوعات باز لازم است این است که یک مقدار از مثلا اوراق خودشان را صرف این کنند که این جمهوری اسلامی تا حالا چه کرده است. [...] آنهایی که غرض دارند آن مسائلی را که باید گفت نمی گویند، می

نقش مردم در حکومت اسلامی از دیدگاه امام خمینی (ره)

شما نوکر مردم هستید!

مجلس تأکید بر رسیدگی به مایحتاج مردم، امور اسلام و دلخواه مردم و دوری از غرض ورزی شخصی دیده می شود. از مهمترین دیدگاههای امام این بود که: مجلس در رأس امور است.

دولت: رئیس جمهور نیز در نظام اسلامی، با رأی مستقیم مردم انتخاب می شود. از طرفی کابینه ی او باید مورد تأیید مجلس شورای اسلامی (رأس همه ی نهادها) قرار بگیرد. دولت و رئیس آن، از این رو که بیشترین امکانات اجرایی را در اختیار دارند، در دیدگاه امام دارای ویژگی های به خصوصی هست، که شایسته است از آنها نام ببریم: خدمتگزاری به مردم، دلسوزی نسبت به محرومین، الگوگیری از پیامبر و امیرالمومنین، توجه به این نکته که دولت به ملت تعلق دارد و بودجه ای که از آن ارتزاق می کنند متعلق به مردم است، همه ی مسئولین در محضر خدا هستند، ایجاد آرامش در کشور، رفیق بودن و همنشینی با مردم، احترام به رأی عمومی در همه جا.

نقش اصلی مردم، عینیت بخشیدن به حکومت اسلامی است، تا آنجا که اگر یک فرد همانند پیامبر اسلام و امامان معصوم که از جانب خداوند مشروعیت دارد، حکومت او از جانب مردم پذیرفته نشود، امکان حاکمیت بر مردم را نخواهد داشت.

همین دولت نیز مورد سؤال و پرسش نمایندگان مردم در مجلس و در صورت نیاز استیضاح وزرا و یا رأی به عدم کفایت رئیس جمهور واقع خواهد شد.

مردم ولی نعمتان واقعی هستند، زیرا همان ها که حکومت رسول خدا (ص) را بوجود آوردند، همانان که با علی (ع) بیعت کردند و آنان که با اتکا به حق تعالی این انقلاب را به وجود آوردند و در هشت سال دفاع مقدس با جان خود از آن حفاظت کردند، شایسته ی حکومتی اند که در سخن امام آمده است: «دولت مال مردم است، بودجه ی مملکت از جیب مردم، شما نوکر مردم هستید، دولتها خدمتگزار مردمندند.»



امام علی (ع) یافت: «اگر حضور بیعت کنندگان نبود و با وجود یاوران، حجت بر من تمام نمی شد... رشته ی کار حکومت را از دست می گذاشتم.» و یا به بیان ساده تر از زبان امام خمینی (ره): «ماهیت جمهوری اسلامی این است که با شرايطی که اسلام برای حکومت قرار داده است، با اتکا به رأی عمومی ملت، حکومت تشکیل شده و مجری احکام اسلام باشد.»

در مبحث نقش مردم در حکومت اسلامی و در

اگر حکومت فردی که از جانب خداوند مشروعیت دارد، از جانب مردم پذیرفته نشود، امکان حاکمیت بر مردم را نخواهد داشت.

«انما یبایعون الله [فتح/۱۰] یک همچو دستی حاکم باشد که بیعت با او بیعت با خدا باشد... دست او را دست خدا بدانند، ظل الله باشد، یدالله باشد؛ حکومت، حکومت خدا باشد... آرزوی ما این است که یک همچو حکومتی سر کار بیاید که تخلف از قانون الهی نکند.» (صحیفه امام، ج ۴، ص ۴۴۴)

آری اسلام دین زندگی است، از کوچک ترین و فردی ترین آن تا بزرگترین و اجتماعی ترین. یکی از بارزترین و حساس ترین این موارد، حکومت اسلامی است. جا دارد تا در عصر حاضر، مسأله حکومت اسلامی بیشتر مورد بحث قرار گیرد، از آن جهت که به واسطه ی حضور امام خمینی (ره) و پیروانش در عصر ما، گویی روح تازه ای در بدن اسلام دمیده شد. نقش مردم در حکومت اسلامی از دیدگاه امام و اسلام نیاز به تأمل بیشتری دارد تا اعماق مطلب بیشتر روشن شود. قبل از پرداختن به موضوع باید این را از آیات و روایات

و عقل و سخنان امام استدلال نمود که حق حاکمیت فقط از آن خداست. حال با پذیرفتن این اصل، نقش مردم در حکومت اسلامی را در دو قسمت اصلی مشروعیت و عینیت بخشیدن به نظام اسلامی بررسی می کنیم.

با توجه به اینکه حق حاکمیت فقط از آن خداست، فقط خداوند می تواند تعیین کند که چه کسی بر مردم حکومت کند.

با توجه به اینکه حق حاکمیت فقط از آن خداست، فقط خداوند می تواند تعیین کند که چه کسی بر مردم حکومت کند «اگر رسول اکرم خلافت را عهده دار شد، به امر خدا بود... نه اینکه به رأی خود حکومتی تشکیل دهد و بخواهد رئیس مسلمین شود.» (ولایت فقیه، امام خمینی، ص ۳۴ و ۳۵)

اما نقش اصلی مردم، عینیت بخشیدن به حکومت اسلامی است، تا آنجا که اگر یک فرد همانند پیامبر اسلام و امامان معصوم که از جانب خداوند مشروعیت دارد، حکومت او از جانب مردم پذیرفته نشود، امکان حاکمیت بر مردم را نخواهد داشت. تناسب زیادی دو موضوع مشروعیت و عینیت بخشیدن به نظام اسلامی را می توان در این سخن

حزب گرایی، سکوی قدرت یا خدمت؟!

کمی هم ملت



کارمندان فاسد دولت حفظ کرده و به فعالیت خود ادامه می دهند.

رهبر فقید انقلاب اسلامی اختلاف و دودستگی میان روحانیت را آغاز بازشدن راه نفوذ دشمنان می دانستند و از آن ها می خواستند تا با احزاب ارتباط تنگاتنگ داشته باشند. ایشان به مردم نیز توصیه می کردند که در برابر توطئه ی گروهک ها هوشیار باشند و جوانان را آگاه کنند تا از جذب آن ها به گروه های منحرف جلوگیری به عمل آورند.

از نکات جالب توجه در دیدگاه امام توصیه های ایشان به مردم کردستان است. جایی که می فرمایند:

«شما اهالی کردستان و دیگرانی که در آن نواحی هستید، گول این گروهک ها را نخورید. این ها نغمه ای بلند کردند برخلاف قرآن مجید و بر خلاف اسلام. نغمه ی

یکی از نشانه های ناکارآمدی احزاب در جامعه ی ما عدم توانایی در تربیت رجال سیاسی است. به گونه ای که امروز احزاب توانایی معرفی افراد خُبره و معتمد مردم و رهبری را در عرصه ی انتخابات ندارند.

نژادپرستی، طرح اینکه کرد، لر، فارس و این ها باید از هم جدا باشند و هر یک مستقلاً برای خود چیزی داشته باشند. اسلام آمده که این دیوارها را از میان بردارد و خراب کند. همه ی شما و همه ی ما و همه ی مسلمین، تحت لوای لاله الا الله و توحید همقدم باشیم و همنفس باشیم و اسلام را به پیش ببریم.»

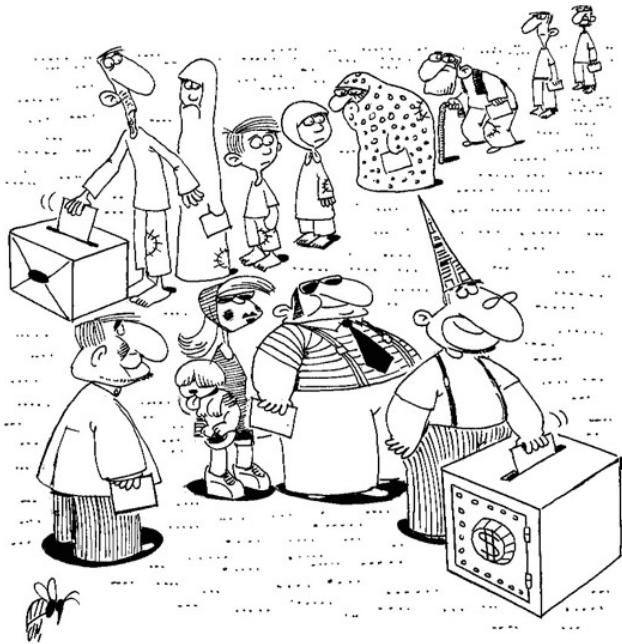
در مجموع، بررسی سیره ی حضرت امام نشان می دهد که ایشان هیچ گاه مخالفتی با فعالیت آزادانه ی احزاب و گروه های سیاسی در چهارچوب نظام مبتنی بر ولایت فقیه نداشتند. اما همواره در مورد مفید بودن فعالیت احزاب و گروه های وابسته یا دولتی از لحاظ عملی و نظری تردید داشتند. اکنون که سال ها از موضع گیری های امام در برخورد با احزاب و گروه های سیاسی در طول دوران نهضت می گذرد باید دید احزاب و گروه های سیاسی فعلی جامعه ما تا چه حد در عمل به توصیه های آن پیر فرزانه موفق عمل کرده اند؟ آیا توانسته اند از نزاع و کشمکش و ایجاد تفرقه جلوگیری کنند؟

آیا همسو با ولایت فقیه و در مسیر اسلام حرکت کرده اند؟ آیا در پی قدرت طلبی بوده اند یا به دنبال تأمین منافع ملت؟

با نگاهی اجمالی به اوضاع سیاسی کشور، متأسفانه آنچه که از ماهیت فعلی احزاب جامعه ی ما به نظر می رسد، چیزی جز ایجاد تفرقه بین آحاد مردم و دور کردن اذهان از واقعیت و ایجاد جوی برای رسیدن به پایه های قدرت نمی باشد. تا آنجا که حتی حاضرند با شایعه پراکنی و سیاه نمایی بخشی از سرمایه های مادی و انسانی را نیز در راه رسیدن به اهداف خود فدا نمایند.

تربیت کادر فعال و کارآمد برای اداره ی کشور و خنثی کردن توطئه ی گروه ها و عوامل دشمن خارجی و ضد انقلاب داخلی، به وجود آمد. و البته سران این حزب همواره مورد تأیید امام بودند. اما با شکل گیری نهادهای جمهوری

می توان گفت که جامعه ی ما در تمام موقعیت ها شاهد نوعی از تحزب گرایی بوده است. در این مقاله برآنیم تا به بررسی این گروه گرایی از دیدگاه امام خمینی بپردازیم.



اسلامی و تثبیت آن ها و افزایش سطح آگاهی و درک سیاسی آحاد ملت و فداکاری مردم حزب الله در برابر توطئه های ضد انقلاب داخلی و استکبار خارجی، سران حزب طی نامه ای به امام اعلام کردند که در شرایط کنونی مصلحت این است که حزب جمهوری اسلامی تعطیل و فعالیت های آن متوقف شود. چراکه تحزب در شرایط فعلی می تواند بهانه ای باشد برای ایجاد اختلاف و دودستگی و موجب خدشه وارد کردن به وحدت و انسجام ملت.

در دیدگاه امام در جاهایی که حزب ها هستند، دولت ها از حزب ها به وجود می آیند. نه اینکه ابتدا دولت ها تشکیل شوند و بعد حزب ها. امام همواره گروه های سیاسی را به ایجاد ارتباط و وحدت رویه دعوت می کردند و لزوم وحدت جناح ها را زیر پرچم اسلام یادآور می شدند و از احزاب می خواستند که برای استقرار نظام، به مسیر ملت که همان مسیر اسلام هست روی بیاورند. در دیدگاه

امام احزاب آزادند تا با هرچیز مخالفت کنند. البته تا جایی که اقداماتشان به ضرر منافع و مصالح ملی نباشد. ایشان احزاب را از ارتباط با بیگانگان و قدرت طلبی نهی می کردند. اما امروز ما شاهد احزاب و گروه هایی هستیم که وقتی بر سر کار می آیند، به دلیل در دست داشتن قدرت، به رانت خواری و فساد رو می آورند. آنها در دولت های مختلف به رهبری احزاب مختلف، ارتباط خود را با

بامطالعه ی اندیشه ی امام خمینی، این واقعیت را در می یابیم که ایشان همواره آحاد مردم را از تشتت گرایی و پراکندگی نهی کرده اند. چرا که این تفرقه و اختلاف را نشان دهنده ی نفوذ بیگانگان برای شکست دادن انقلاب نوپای ایران می دانسته اند. امام خمینی معتقد بودند مادامی که گروه های مختلف مشغول دعوا و کشمکش هستند، این فرصت به دشمنان داده می شود تا در کشور رخنه کنند و ما را از پای درآورند.

امروز ما شاهد احزابی هستیم که وقتی بر سر کار می آیند به رانت خواری و فساد رو می آورند. آنها در دولت های مختلف، ارتباط خود را با کارمندان فاسد حفظ کرده و به فعالیت خود ادامه می دهند.

البته با نگاهی به تاریخ سیاسی کشورمان درمی یابیم که گاهی حزب ها توانسته اند در سرنوشت کشور نقش خوبی را ایفا کنند. در تأیید این موضوع می توان به شکل گیری حزب جمهوری اسلامی اشاره کرد. این حزب با صلاحدید امام و با توجه به نیاز کشور به وجود یک تشکل در برابر انبوه مسائل در آغاز انقلاب و لزوم انسجام و انتظام نیروهای آگاه و مؤمن و گسترش آگاهی های انقلابی و

امام (ره) ماجراجو نبود

نتیجه مبارزه و دفاع با ستمگران را بدون کوچکترین چشمداشتی، به مبارزان راه حق انتقال می‌دهیم و مسلماً محصول صدور این تجربه‌ها، جز شکوفه‌های پیروزی و استقلال و پیاده شدن احکام اسلام برای ملت‌های دربند نیست. [۴]

من به تمام دنیا با قاطعیت اعلام می‌کنم که اگر جهانخواران بخواهند در مقابل دین ما بایستند، ما در مقابل همه دنیای آنان خواهیم ایستاد و تا نابودی تمام آنان از پای نخواهیم نشست، یا همه آزاد می‌شویم و یا به آزادی بزرگتری که شهادت است می‌رسیم. [۴]

البته ما این واقعیت و حقیقت را در سیاست خارجی و بین الملل اسلامی‌مان بارها اعلام نموده‌ایم که درصدد گسترش نفوذ اسلام در جهان و کم کردن سلطه جهانخواران بوده و هستیم. حال اگر نوکران امریکا نام این سیاست را توسعه طلبی و تفکر تشکیل امپراتوری بزرگ می‌گذارند، از آن

باکی نداریم و استقبال می‌کنیم. [۳] ما درصدد خشکانیدن ریشه‌های فاسد صهیونیسم، سرمایه داری و کمونیزم در جهان هستیم. ما تصمیم گرفته‌ایم، به لطف و عنایت خداوند بزرگ، نظامی‌هایی را که بر این سه پایه استوار گردیده‌اند نابود کنیم؛ و نظام اسلام رسول الله - صلی الله علیه و آله و سلم - را در جهان استکبار ترویج نماییم. و دیر یا زود ملت‌های دربند شاهد آن خواهند بود. [۳]

ما با تمام وجود از گسترش باج خواهی و مصونیت کارگزاران امریکایی، حتی اگر با مبارزه قهرآمیز هم شده باشد، جلوگیری می‌کنیم. [۳]

جهانخواران و سرمایه داران و وابستگان آنان توقع دارند که ما شکسته شدن نونهالان و به چاه افتادن مظلومان را نظاره کنیم و همدار ندهیم. و حال آنکه این وظیفه اولیه ما و انقلاب اسلامی ماست که در سراسر جهان صلا زنییم که ای خواب رفتگان! ای غفلت زدگان! بیدار شوید و به اطراف خود نگاه کنید که در کنار لانه‌های گرگ منزل گرفته‌اید. برخیزید که اینجا جای خواب نیست! و نیز فریاد کشیم سریعاً قیام کنید که جهان ایمن از صیاد نیست! امریکا و شوروی در کمین نشسته‌اند، و تا نابودی کاملتان از شما دست بر نخواهند داشت. [۳]

ادامه در صفحه بعد...



بیاناتی که در ادامه می‌آید، نه کلام مسئولین فعلی جمهوری اسلامی است و نه بخشی از افتضاح ژنو و نه قسمتی از آبرو ریزی دانشگاه کمبیا. این ها بخش‌هایی از آخرین پیام‌های کسی است که امروز همه زیر علمش گردآمده‌اند و گرگ و میش، از چشمه ی چشمش آب می‌نوشند. کسی که امروز بیش از هر زمان نامش را می‌برند و کم تر از هر زمان آرمانش را پی می‌گیرند. کسی که گرچه نمی‌توانستیم تحمل کنیم که کسی بگوید او را به موزه می‌سپاریم، اما خود با احترام تمام آرمان هایش را به موزه ی انقلاب سپرده ایم...

فریب ابرقدرت‌ها

چه در جنگ و چه در صلح، بزرگترین ساده اندیشی این است که تصور کنیم جهانخواران، خصوصاً امریکا و شوروی از ما و اسلام عزیز دست برداشته‌اند؛ لحظه‌ای نباید از کید دشمنان غافل بمانیم. در نهاد و سرشت امریکا و شوروی کینه و دشمنی با اسلام ناب محمدی - صلی الله علیه و آله و سلم - موج می‌زند. [۱]

ملت‌های مسلمان باید اصل را بر دشمنی و فریب

ملت‌های مسلمان باید اصل را بر دشمنی و فریب ابرقدرت‌ها با خود بگذارند، مگر اینکه خلاف عینی و عملی آن را مشاهده و لمس و باور نمایند.

ابرقدرت‌ها با خود بگذارند، مگر اینکه خلاف عینی و عملی آن را مشاهده و لمس و باور نمایند. [۲] هم اکنون اگر امریکا یک کشور اسلامی را به بهانه حفظ منافع خویش با خاک یکسان کند، چه کسی جلوی او را خواهد گرفت؟ پس راهی جز مبارزه نمانده است، و باید جنگ و دندان ابرقدرت‌ها و خصوصاً امریکا را شکست، و الزاماً یکی از دو راه را انتخاب نمود: یا شهادت، یا پیروزی. [۳]

مقاومت جهانی و صدور انقلاب

باید بسیجیان جهان اسلام در فکر ایجاد حکومت

بزرگ اسلامی باشند و این شدنی است، چرا که بسیج تنها منحصر به ایران اسلامی نیست، باید هسته‌های مقاومت را در تمامی جهان به وجود آورد و در مقابل شرق و غرب ایستاد. [۱]

جرم و گناه ما احیای سنت پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - و عمل به دستورات قرآن کریم و اعلان وحدت مسلمانان اعم از شیعه و سنی، برای مقابله با توطئه کفر جهانی و پشتیبانی از ملت محروم فلسطین و افغانستان و لبنان و بستان سفارت اسرائیل در ایران و اعلام جنگ با این غده سرطانی و صهیونیسم جهانی و مبارزه با نژادپرستی و دفاع از مردم محروم افریقا و لغو قراردادهای بردگی رژیم کثیف پهلوی با امریکای جهانخوار بوده است. [۴]

ما به تمام جهان تجربه هایمان را صادر می‌کنیم و

ما درصدد خشکانیدن ریشه‌های فاسد صهیونیسم، سرمایه داری و کمونیزم در جهان هستیم. ما تصمیم گرفته‌ایم، به لطف و عنایت خداوند بزرگ، نظامی‌هایی را که بر این سه پایه استوار گردیده‌اند نابود کنیم؛ و نظام اسلام رسول الله - صلی الله علیه و آله و سلم - را در جهان استکبار ترویج نماییم. و دیر یا زود ملت‌های دربند شاهد آن خواهند بود.

ادامه از صفحه قبل...

راستی اگر بسیج جهانی مسلمین تشکیل شده بود،

ما باید در ارتباط با مردم جهان و رسیدگی به مشکلات و مسائل مسلمانان و حمایت از مبارزان و گرسنگان و محرومان با تمام وجود تلاش نماییم. و این را باید از اصول سیاست خارجی خود بدانیم.

کسی جرأت اینهمه جسارت و شرارت را با فرزندان معنوی رسول الله - صلی الله علیه و آله و سلم - داشت؟ [۳]
جنگ ما جنگ عقیده است، و جغرافیا و مرز نمی شناسد. و ما باید در جنگ اعتقادی مان، بسیج بزرگ سربازان اسلام را در جهان به راه اندازیم. [۳]
تا شرک و کفر هست، مبارزه هست. و تا مبارزه هست، ما هستیم. ما بر سر شهر و مملکت با کسی دعوا نداریم. ما تصمیم داریم پرچم «لا اله الا الله» را بر قلل رفیع کرامت و بزرگواری به اهتزاز درآوریم. [۳]

امروز همه مصیبت و عزای امریکا و شوروی شرق و غرب در این است که نه تنها ملت ایران از تحت الحمایگی آنان خارج شده است، که دیگران را هم به خروج از سلطه جباران دعوت می کند. [۳]

من به صراحت اعلام می کنم که جمهوری اسلامی ایران با تمام وجود برای احیای هویت اسلامی مسلمانان در سراسر جهان سرمایه گذاری می کند. و دلیلی هم ندارد که مسلمانان جهان را به پیروی از اصول تصاحب قدرت در جهان دعوت نکند و جلوی جاه طلبی و فزون طلبی صاحبان قدرت و پول و فریب را نگیرد. [۳]
ما باید در ارتباط با مردم جهان و رسیدگی به مشکلات و مسائل مسلمانان و حمایت از مبارزان و گرسنگان و محرومان با تمام وجود تلاش نماییم. و این را باید از اصول سیاست خارجی خود بدانیم. [۳]

ما اعلام می کنیم که جمهوری اسلامی ایران برای همیشه حامی و پناهگاه مسلمانان آزاده جهان است. [۳]
کشور ایران به عنوان یک دژ نظامی و آسیب ناپذیر نیاز سربازان اسلام را تأمین و آنان را به مبانی عقیدتی و تربیتی اسلام و همچنین به اصول و روشهای مبارزه علیه نظامهای کفر و شرک آشنا می سازد. [۳]

نه شرقی و نه غربی

شعار «نه شرقی و نه غربی» ما، شعار اصولی انقلاب اسلامی در جهان گرسنگان و مستضعفین بوده و ترسیم کننده سیاست واقعی عدم تعهد کشورهای اسلامی و شورهایی است که در آینده نزدیک و به یاری خدا اسلام را به عنوان تنها مکتب نجاتبخش بشریت می پذیرند و ذره ای هم از این سیاست عدول نخواهد شد ... این سیاست، ملاک عمل ابدی مردم ما و جمهوری اسلامی ما و همه مسلمانان

سرتاسر عالم است. چرا که شرط ورود به صراط نعمت، حق برائت و دوری از صراط گمراهان است که در همه سطوح و جوامع اسلامی باید پیاده شود. [۴]
مردم شریف ایران و مسلمانان و آزادیخواهان تمامی جهان باید بدانند که اگر بخواهند بدون گرایش به چپ و راست و مستقل از هر قدرت و ابرقدرتی روی پای خویش بایستند، باید بهای بسیار گران استقلال و آزادی را بپردازند. [۴]

هر دو جریان [چپ و راست] باید با تمام وجود تلاش کنند که ذره ای از سیاست «نه شرقی و نه غربی جمهوری اسلامی» عدول نشود که اگر ذره ای از آن عدول شود، آن چه خوب است [به] این سؤال پاسخ داده شود که ملت های جهان سوم و مسلمانان، و خصوصاً ملت ایران، در چه زمانی نزد غربی ها و شرقی ها احترام و اعتبار داشته اند که امروز بی اعتبار شده اند!

را با شمشیر عدالت اسلامی راست کنند. [۵]

آرمان فلسطین

مسئولین محترم کشور ایران و مردم ما و ملت های



اسلامی از مبارزه با این شجره خبیثه [اسرائیل] و ریشه کن کردن آن، دست نخواهند کشید و به یاری خداوند تعالی از قطرات پراکنده پیروان اسلام و توان معنوی امت محمد - صلی الله علیه و آله و سلم - و امکانات کشورهای اسلامی باید استفاده کرد و با تشکیل هسته های مقاومت حزب الله در سراسر جهان اسرائیل را از گذشته جنایت بار خود پشیمان و سرزمینهای غصب شده مسلمانان را از

چنگال آنان خارج کرد. [۴]
فلسطینی راه گم کرده خود را از راه برائت ما یافت. و دیدیم که در این مبارزه چطور حصارهای آهنین فروریخت، و چگونه خون بر شمشیر و ایمان بر کفر و فریاد بر گلوله پیروز شد؛ و چطور خواب بنی اسرائیل در تصرف از نیل تا فرات آشفته گشت. [۳]

سیاست خارجی ماجراجویانه؟

عجبا که بعض مدعیان عقل و سیاست و دوراندیشی چگونه طرح می دهند و با تحریف آیات کتاب خدا و استناد به سنت پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - مسیر عزت و کرامت مسلمین را دیگرگون و مردم ما را از شرافت جهاد برحذر می دارند. [۴]

بعضی مغرضین ما را به اعمال سیاست نفرت و کینه توزی در مجامع جهانی توصیف و مورد شماتت قرار می دهند؛ و با دلسوزیهای بیمورد و اعتراضهای کودکانه می گویند جمهوری اسلامی سبب دشمنیها شده است و از چشم غرب و شرق و ایادی شان افتاده است! [۳]

چه خوب است [به] این سؤال پاسخ داده شود که ملت های جهان سوم و مسلمانان، و خصوصاً ملت ایران، در چه زمانی نزد غربی ها و شرقی ها احترام و اعتبار داشته اند که امروز بی اعتبار شده اند! [۳]

آری، اگر ملت ایران از همه اصول و موازین اسلامی و انقلابی خود عدول کند و خانه عزت و اعتبار پیامبر و ائمه معصومین - علیهم السلام - را با دستهای خود ویران نماید، آن وقت ممکن است جهانخواران او را به عنوان یک ملت ضعیف و فقیر و بی فرهنگ به رسمیت بشناسند؛ ولی در همان حدی که آنها آقا باشند ما نوکر، آنها ابرقدرت باشند ما ضعیف؛ آنها ولی و قییم باشند ما جیره خوار و حافظ منافع آنها؛ نه یک ایران با هویت ایرانی - اسلامی؛ بلکه ایرانی که شناسنامه اش را امریکا و شوروی صادر کند؛ ایرانی که ارابه سیاست امریکا یا شوروی را بکشد. [۳]

مراجع

۱. پیام تشکیل بسیج دانشجویی و طلبه (۲ آذر ۱۳۶۷)
۲. پیام به مناسبت شهادت آقای سیدعارف حسین حسینی. (۱۴ شهریور ۱۳۶۷)
۳. پیام به مناسبت سالگرد کشتار مکه و قبول قطعنامه ۵۹۸. (۲۹ تیر ۱۳۶۷)
۴. پیام برائت از مشرکان و تبیین وظایف مسلمین و مشکلات جهان اسلام (۶ مرداد ۱۳۶۶)
۵. پیام منشور برادری. (۱۰ آبان ۱۳۶۷)

زیر بنای اقتصاد الاغی!

توسعه ی اقتصادی از دیدگاه امام خمینی (ره)

کند که بگویند ما خون هایمان را دادیم که خربزه ارزان شود، ما جوانهایمان را دادیم که خانه ارزان بشود، این منطق باطلی است که شاید کسانی انداخته باشند، مغرض ها انداخته باشند، توی دهن های مردم که بگویند ما خون دادیم که مثلاً کشاورزی مان چه بشود، آدم خودش را به کشتن نمیدهد که کشاورزی اش چه بشود.

همه دیدید که تمام قشرها، خانم ها ریختند توی خیابان ها، جوان ها ریختند توی خیابان ها، در پشت بام ها در کوچه و برزن و همه جا، فریادشان این بود که اسلام میخواهیم، برای اسلام است که انسان میتواند جانش را بدهد، اولیا ما هم برای اسلام جان دادند نه برای اقتصاد، اقتصاد قابل این نیست.

آن هایی که دم از اقتصاد می زنند و زیربنای همه چیز را اقتصاد میدانند از باب اینکه انسان را نمیدانند یعنی چه، خیال میکنند انسان یک حیوانی است که همان خورد و خوراک است. منتها خورد و خوراک این حیوان با حیوانات دیگر یک فرقی دارد. این چلوکباب میخورد، او کاه میخورد. اما هر دو حیوانند، اینهایی که زیربنای همه چیز را اقتصاد میدانند، اینها انسان را حیوان میدانند. حیوان هم همه چیزش فدای اقتصادش است. زیر بنای همه چیزش، الاغ هم زیر بنای همه چیزش اقتصادش است.» (صحیفه نور ج ۹ ص ۷۲)

دوم: برای نیل به توسعه اقتصادی به بیگانگان وابسته شویم. زیرا اقتصاد نیازمند تکنولوژی است و تکنولوژی جدید، در اختیار غرب. از این رو، بخش های عمده ای از سخنان ایشان، در حوزه ی فرهنگ و اقتصاد، در نكوهش وابستگی و دعوت به خود باوری و اتکاء به خود است.

« همه قیام کنند، برای اینکه مملکت را از این وضع اقتصادی نجات بدهند، اگر مملکت شما در اقتصاد نجات پیدا نکند و وابستگی اقتصادی داشته باشد، همه جور وابستگی دنبالش می آید، وابستگی سیاسی هم پیدا می کنیم، وابستگی نظامی هم پیدا می کنیم. برای اینکه وقتی ما چیزی نداشتیم، دستمان به طرف آمریکا دراز می شود و آمریکا، همه چیز را به ما تحمیل می کند، ما وقتی می توانیم زیر بار او نرویم که قدرتمند باشیم.» (صحیفه نور ج ۱۱ ص ۱۱۷)

« اسلام، همه ترقیات را قبول دارد... با همه ترقیات، همه تمدن ها موافق است. اسلام وابستگی شما

این روزها همگی، گرمای بازار شعارها و حرفهای کاندیداها، راجع به اقتصاد و توسعه را حس می کنیم. از این رو بر آن شدیم، تا نگاهی هرچند مجمل، به نظریات بنیان گذار انقلاب، حضرت امام خمینی(ره) داشته باشیم.

با نگاهی گذرا به صحبت های امام در می یابیم که ایشان اصولاً به مسئله اقتصاد، که تامین کننده ی معیشت و زندگی مادی مردم است، به دیده ی اهمیت نگریسته اند. این نکته از تاکید ایشان بر برخی شاخص های اقتصادی، نظیر: اهمیت کشاورزی، ارزش کار و کارگر، رفاه

عمومی، فقرزدایی، محرومیت زدایی، رسیدگی به مسکن و معیشت مردم، خودکفایی در صنعت و... مشخص می شود. از این رو توسعه اقتصادی - آنچه در سطح زندگی مردم تحول مثبت ایجاد کند - نیز مورد توجه ایشان بوده است. چون امام(ره) یک متفکر اجتماعی و یک رهبر دینی - سیاسی هستند، نه یک عالم توسعه به مفهوم رایج آن، ایشان اصولاً به مسائلی پرداخته اند که به علم اقتصاد توسعه، که به هدف های غایی کنش اقتصادی، مانند: عدالت اجتماعی، ایجاد معنوی و هدف های فرهنگی نظیر خودباوری، اعتماد بنفس، توجه به دنیا در ظل توجه به آخرت و... مربوط می شود.

هیچ عاقلی نمی تواند تصور کند که بگویند ما خون هایمان را دادیم که خربزه ارزان بشود!

به طور کلی امام ضمن پذیرش توسعه اقتصادی سه نگرانی عمده دارند:

اول: توجه به اقتصاد و توسعه اقتصادی به افراط در دنیاگرایی و سودمداری تبدیل شود. آنچه امام از آن به رفاه زدگی یاد می کنند، یعنی آرمانها و اصول انقلاب اسلامی دستخوش کم توجهی قرار گیرد و رفاه اقتصادی جایگزین آن شود.

« قضیه، قضیه اقتصاد نیست، قضیه، قضیه کشور نیست، قضیه، قضیه ایران نیست، قضیه، قضیه اسلام است، از قضایای دیگر انسان می تواند بگذرد، از اولادش صرفنظر کند، از جهات دیگر بگذرد لکن از اسلام نمی تواند بگذرد.» (صحیفه نور ج ۷ ص ۷۸)

« من نمیتوانم تصور کنم، هیچ عاقلی نمیتواند تصور



را، و ما خودمان را، به دیگران منکر است. می گوید نباید صنعت ما وابسته باشد. نباید زراعت ما وابسته باشد. نباید ادارات ما وابسته باشد. نباید اقتصاد ما وابسته باشد. نباید فرهنگ ما وابسته به غیر باشد. نباید مستشارها بیایند ما را اداره کنند. خودمان ما خودمان را اداره می کنیم.» (صحیفه نور ج ۹ ص ۱۶۶)

به نظر آنها، فعلاً در مرحله ی توسعه هستیم و شکاف طبقاتی امری طبیعی است. تا کی به این توسعه راضی شئوند و نوبت به برقراری عدالت برسد، الله اعلم!...

سوم: توسعه اقتصادی به طبقاتی شدن جامعه بیانجامد و دربردارنده ی نتایجی که توده ی مردم از آن بی بهره باشند.

«...بلکه اسلام یک رژیم معتدل با شناخت مالکیت و احترام به آن به نحو محدود در پیدا شدن مالکیت و مصرف، که اگر بحق به آن عمل شود، چرخهای اقتصاد سالم به راه می افتد و عدالت اجتماعی، که لازمه ی یک رژیم سالم است تحقق می یابد.» (صحیفه نور ج ۲۱ ص ۲۰)

« اقتصاد ما یک اقتصاد مستقل و سالم و ملی است، بر اساس تامین اساسی ترین نیازهای مردم محروم و ستمدیده ایران، نه فقط یک اقتصاد مصرفی.» (صحیفه نور، ج ۲۲ ص ۷۰)

می توان این سه نگرانی را به سه شرط برای توسعه اقتصادی تقسیم کرد:

- ۱- وسیله بودن اقتصاد و توسعه اقتصادی، برای نیل به اهداف متعالی
- ۲- عدم وابستگی
- ۳- عدالت اجتماعی

آری، امام(ره) توسعه اقتصادی را قبول داشت، اما منوط به این سه شرط. بدیهی است، ذکر پذیرش توسعه اقتصادی از جانب امام(ره)، بدون ذکر شروط گفته شده، ناقص عرضه کردن دیدگاه و موضع ایشان است. و دروغ بزرگی است به نسل جوان - که امام(ره) را ندیده اند - که دیر یا زود بر ملا می شود.

امام(ره) به اقتصاد به عنوان وسیله و ابزار نیل به هدف متعالی می نگریست، نه هدف. این در حالی است، که امروزه بعضی معتقدند، اصالت با توسعه اقتصادی است و آن را هدف قرار داده، عدالت اجتماعی را زیر مجموعه آن قرار می دهند. آنچه گاه و بی گاه می شنویم، که تا به توسعه اقتصادی نرسیم، نمی توانیم عدالت را برقرار کنیم. یعنی اول توسعه، بعد عدالت. و امروز شاهد نتایج این نظریه در ایجاد شکاف طبقاتی شدید و محرومیت توده های مردم هستیم. به گفته ی آنها، فعلاً در مرحله ی توسعه هستیم و شکاف طبقاتی امری طبیعی است. تا کی به این توسعه راضی شئوند و نوبت به برقراری عدالت برسد، الله اعلم!...

مستضعفین و پابرهنه ها در کلام امام (ره)

با مستضعفین، برای مستضعفین



تصور می کنند سرمایه داران و مرفهان بی درد با نصیحت و پند و اندرز متنبه می شوند و به مبارزان راه آزادی پیوسته و یا به آنان کمک می کنند آب در هاون می کوبند. بحث مبارزه و رفاه و سرمایه، بحث قیام و راحت طلبی، بحث دنیاخواهی و آخرت جویی دو مقوله ای است که هرگز با هم جمع نمی شوند. و تنها آنهایی تا آخر خط با ما هستند که درد فقر و محرومیت و استضعاف را چشیده باشند. فقرا و متدینین بی بضاعت گردانندگان و برپادارندگان واقعی انقلابها هستند. ما باید تمام تلاشمان را بنماییم تا به هر صورتی که ممکن است خط اصولی دفاع از مستضعفین را حفظ کنیم. [۱]

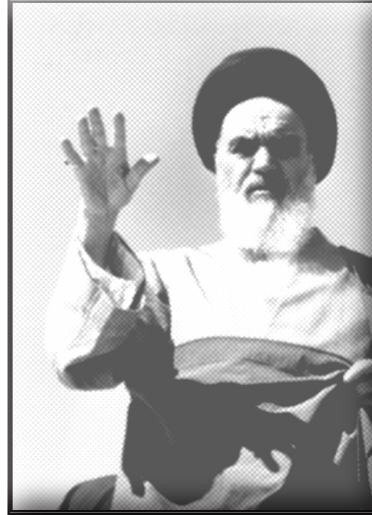
و آنهایی که در خانه های مجلل، راحت و بی درد آرمیده اند و فارغ از همه رنج ها و مصیبت های جانفرسای ستون محکم انقلاب و پابرهنه های محروم، تنها ناظر حوادث بوده اند و حتی از دور هم دستی بر آتش نگرفته اند، نباید به مسئولیتهای کلیدی تکیه کنند. [۲]

مردم ایران ثابت کرده اند که تحمل گرسنگی و تشنگی را دارند، ولی تحمل شکست انقلاب و ضربه به اصول آن را هرگز نخواهند داشت. [۱]

۱. پیام به مناسبت سالگرد کشتار مکه و قبول قطعنامه ۵۹۸. (۲۹ تیر ۱۳۶۷)
۲. پیام براهت از مشرکان و تبیین وظایف مسلمین و مشکلات جهان اسلام (۶ مرداد ۱۳۶۶)

حکومت و حکمرانان و اداره کنندگان کشور اسلامی نفوذ کنند و مال و ثروت خود را به بهانه فخرفروشی و مباحثات قرار بدهند و به فقرا و مستمندان و زحمتکشان، افکار و خواسته های خود را تحمیل کنند. [۲]

خدا نیامد آن روزی را که سیاست ما و سیاست مسئولین کشور ما پشت کردن به دفاع از محرومین و رو آوردن به حمایت از سرمایه دارها گردد و اغتیا و ثروتمندان از اعتبار و عنایت بیشتری برخوردار شوند. معاذالله که این با سیره و روش انبیا و امیرالمؤمنین و ائمه معصومین -



علیهم السلام - سازگار نیست، دامن حرمت و پاک روحانیت از آن منزّه است، تا ابد هم باید منزّه باشد. [۲]

آنها که تصور می کنند مبارزه در راه استقلال و آزادی مستضعفین و محرومان جهان با سرمایه داری و رفاه طلبی منافات ندارد با الفبای مبارزه بیگانه اند. و آنهایی هم که

فریاد براهت ما، فریاد فقر و تهیدستی گرسنگان و محرومان و پابرهنه هایی است که حاصل عرق جبین و زحمات شبانه روزی آنان را، زراندوزان و دزدان بین المللی به یغما برده اند و حریصانه از خون دل ملت های فقیر و کشاورزان و کارگران و زحمتکشان، به اسم سرمایه داری و سوسیالیسم و کمونیسم میکیده و شریان حیات اقتصاد جهان را به خود پیوند داده اند و مردم جهان را از رسیدن به کمترین حقوق حقه خود محروم نموده اند. [۲]

مصلحت زجر کشیده ها و جبهه رفته ها و شهید و اسیر

و مفقود و مجروح داده ها و در یک کلام، مصلحت پابرهنه ها و گودنشینها و مستضعفین، بر مصلحت قاعدین در منازل و مناسک و متمکنین و مرفهین گریزان از جبهه و جهاد و تقوا و نظام اسلامی مقدم باشد. [۲]

ثروتمندان هرگز به خاطر تمکن مالی خود نباید در

شهرزد اسفندیاری

آزادی بدون پسوند

مصادقا هم محال است. چرا که عین هر ج و مرج و انهدام اجتماع است.

« حدود دارد آزادی، آزادی در حد قانون است. همه جای دنیا اینطور است که آزادی که هر ملتی دارد، در حدود قانون آزادی دارد. نمی تواند کسی به اسم آزادی قانون شکنی کند. آزادی این نیست که قلم بردارید و هر چه دلتان خواهد بنویسید، ولو بر ضد اسلام باشد، ولو بر ضد قانون باشد. » (صحیفه نور، ج ۷، ص ۹۱. ۱۳۸۵/۳/۲۳)

هر جامعه ای در محدوده ی قانونش تعریفی از آزادی ارائه کرده است. اساسا آزادی امری برون دینی است، حتی در جامعه ی لائیک هم آزادی مطلق وجود ندارد. آنجا نیز آزادی حدود و پسوند دارد، منتها، حدود آن مادی است نه انسانی.

اینها که قول آزادی به مردم می دهند و خطوط قرمز را تعیین نمی کنند، مگر نشینده اند؟

« در اسلام، دموکراسی مندرج است و مردم آزادند در اسلام. هم در بیان عقاید و هم در اعمال. مادامی که توطئه در کار نباشد و مسائلی را عنوان نکنند که نسل ایران را منحرف کند. » (صحیفه نور، ج ۵، ص ۴۶۸)

« در حدود قواعد و قوانین آزادی هست، آزادی این نیست که من هر کاری دلم بخواهد بکنم. » (صحیفه نور، ج ۶، ص ۴۴۶)

اند. آزادی غربی می خواهند. اینها که دم از دموکراتیک می زنند، اینها همان دموکراتهای غربی را می خواهند، آزادی غربی را می خواهند. یعنی بی بندوباری. روزنامه ها آزادند مطلب بنویسند، مسائل بنویسند... اما آزادند که تهمت به مردم بزنند؟ همچو آزادی نمی تواند باشد. » (صحیفه امام، ج ۷، ص ۵۳۶)

مشتهایم را گره کرده بودم، فکش را پیاده کنم! اما نه، لنگه کفش پاسخ بهتری بود!

خواهیم نمی برد! زنگ صدای امام در گوشم می پیچد! کدام فریاد را می گوید؟ آوای گرم و پر هیبتش دلم را نگران تصمیم خطیری کرده است. هنوز با خودم درگیرم! استقلال! آزادی! جمهوری اسلامی! دور اتاق راه می روم با خودم شعار می دهم!

آزادی مفهومی فرا قانونی و فرا حقوقی نیست، همان حقوق بشر است، که در گفتن دینی و غیر دینی جداگانه باید تعریف شود. هر جا که «حقوق» هست «حدود» هم هست. آزادی مطلق علاوه بر آنکه مفهوما متناقض است،

... بد جور احساس خفقان می کنم. تو گویی هر دو دستش را جلوی دهانم گرفته است، نکند فریاد اعتراض و انتقاد، گوش جهانیان را کر کند. اینجا نمی شود نفس کشید، چه برسد به حرف زدن! همه چیز باید تغییر کند. مثلا: همین آزادی...

مشتهایم را گره کرده بودم، فکش را پیاده کنم! اما نه، لنگه کفش پاسخ بهتری بود! هنوز بندهای کج و کوله اش را باز نکرده بودم که... شیشه ماشین بغلی شکست! چیزی نیست! سنگ بود! بعضی ها اسمش را می گذارند: آنارشیسیم! عجب سکوت و خفقانی بود آن روز...

... چند روزی می شود ذهنم حسابی آشفته است! شنیده ام پیامبران فرستاده شدند، تا بشر به آزادی برسد! اما این روزها گویا مفهوم آزادی را از خاطر برده اند، مگر امام را درک نکرده اند؟! آزادی یک واژه مقدس است! چرا که به تو اذن حضور می دهد! امام هم همیشه همین را خواسته اند! « در ایران، مردم تصمیم گیران نهایی تمام مسائل اند. »

... امروز جملاتی دیدم که مرا به تردید وا داشت. این آزادی بالاخره خوب است یا بد؟! گنج این همه تناقضم: « اینهایی که فریاد از آزادی می زنند، اینها غرب زده

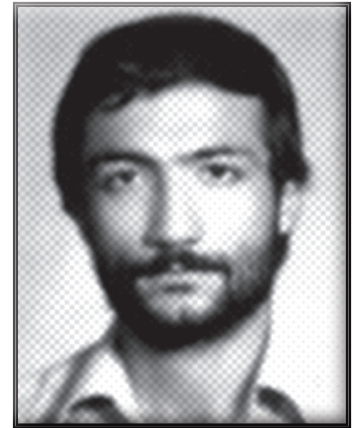
ادامه سرمقاله از صفحه اول...

آن هم با چند جمله ی معدود. می گفتم مگر امام بزرگترین آرمان هایش این ها بود؟ مگر اکثر سخنان امام درباره ی استکبار ستیزی و توجه به محرومین نبود؟ مگر این آرمان ها به درستی محقق شده اند که دیگر از آن ها یاد نشود؟ وقتی دیدم که جمهوریت از نگاه امام آن گونه تصویر شده که گویی امام رهبری ایبرال دموکرات بوده است، این جملات به ذهنم آمد: « حکومت که شعبه ای از ولایت مطلقه رسول الله است یکی از احکام اولیه است و مقدم بر تمام احکام فرعیه حتی نماز و روزه و حج است.» یا این که « همه تان هم اگر چنانچه یک چیزی بگویند برخلاف مصالح اسلام باشد وکیل نیستید، از شما قبول نیست، » و این سخن را « رئیس جمهور منتخب مردم، اگر از طرف ولی فقیه نصب نشود طاغوت است ». گفتم که بالاخره اشتباه است دیگر!

چندی پیش در شماره ای دیگر این تیر را دیدم: «پاسخ امام به وزیر دولت نهم، توان اداره ی یک نانوائی را هم ندارید!» و من متعجب از این که امام چگونه از دیار باقی به وزیر دولت نهم پیام داده است، متن را خواندم. در متن کلامی از امام نقل شده بود که به مخالفان دولت وقت می گفت، این قدر سیاه نمایی نکنید و فقط به انتقاد نپردازید! به دولت کمک کنید و سنگ اندازی نکنید! شما که توان اداره ی یک نانوائی را هم ندارید این قدر به کارهای دولت ایراد نگیرید. بعد نویسنده نتیجه گرفته بود که چون الان آن مخالفان دولت موسوی، طرفدار دولت فعلی هستند، پس دولت فعلی هم به همان اوصاف موصوف است! (البته نویسنده حتماً مخالفت های ناطق نوری و سنگ اندازی های امثال باهنر و جناب آقای مهدوی کنی را در کار دولت فعلی از یاد برده بوده است) من شگفت زده از این نتیجه گیری خارق العاده با خود گفتم که آیا از این متن نمی شد نتیجه گرفت که اصولاً وقتی دولتی سرکار است نباید در کار او سنگ اندازی کرد؟ و نباید فقط انتقاد کرد و سیاه نمایی کرد؟ آیا امام شخص موسوی را خیلی دوست داشته یا برای مصالح دولت اسلامی این سخن را گفته است؟ و آیا همین انتقادات امام امروز متوجه دوستانی نیست که در همان تشکل بردها و نشریه هایشان را با رویکرد تخریب دولت سامان داده اند؟ گفتم بالاخره انسان که معصوم از خطا نیست.

این روز ها که به انتخابات نزدیک می شویم، و فریاد و اما ما را از گروه ها و احزابی می شنوم که طرح تدفین آرمان های امام دستپخت حکمرانی آن ها بوده است، با خود فکر می کنم که این توجیهاتی که برای اشتباهات دوستانم می کنم، درست باشد یا نباشد و قصدشان -آن گونه که من می پندارم- خیر باشد یا نباشد، باز هم آن کسی که مظلوم است امام است و آن چه مهجور است آرمان هایش. هنوز هم برای احیای آرمان های امام راهی بس دراز در پیش است. این روز ها این جمله ها زیاد به ذهنم خطور می کند: ما مظلومان همیشه تاریخ، محرومان و پا برهنگانیم...

شیطانهای بزرگی که از کوچکی دیده نمی شوند!



بودید و محصل کج خلق ها شده اید! و شما که وزیر بودید و حالا به تزویر روی آورده اید و شما که وکیل هستید و کیلتان نامیزان است و شما که به شورا، پورا می گفتید و حالا شوره شده اید و شما که لنگ لنگان راه می رفتید و حالا پشت پا می اندازید و شما که آخوند هستید و ضدآخوند شده اید و شما که چپ هستید و سر از راست درآورده اید و شما که با اسلام انقلابی دارید پشت انقلاب اسلامی را در می آورید و شریک انقلاب اسلامی شده اید و دارید اسلام و انقلاب را به انزوا می کشانید و شما که کاپیتالیست هستید و هر دمبیل می بافید!

براستی رمز این نابسامانی چیست؟ تو گویی هیچ کس به فکر تصحیح و اصلاح نیست. من ها خوبند و شما ها بد! و جالب آنکه همه مخالف استبداد و استثمار و استعمار بوده، حامی خلق و ضدامپریالیست می باشند! اما در عمل، گویی جریان طور دیگری است و آنچه که قربانی می شود منافع زاغه نشینان است. و از آنهم جالبتر اینکه همین طبقه محروم و مستضعف هستند که هم در میدان شهید می شوند و هم در پشت جبهه درآمد ناچیزشان را در راه آرمان شان می دهند، در صف اول تظاهرات می ایستند و صدایشان هم بلندتر از همه به گوش می رسد. موقع تکبیر گفتن روی بام هم که می شود همین ها را روی پشت بام ها می بینی. توقعشان از همه کمتر است و زحماتشان از همه بیشتر. تلاش شان افزونتر از دیگران است و معاششان کمتر از بقیه... (گزیده ای از دست نوشته های دانشجوی شهید مهدی رجب بیگی)

اشاره: مهدی رجب بیگی، ورودی ۱۳۵۴ دانشکده فنی دانشگاه تهران در رشته راه و ساختمان و عضو فعال دانشجویان پیرو خط امام بود که در تسخیر لانه جاسوسی نیز نقش داشت. وی نماینده دانشجویان خط امام در گردهمایی جنبش های آزادی بخش بود و ضمن فعالیت در جهاد سازندگی، در مدارس محروم تهران نیز تدریس می کرد. نهایتاً در پنجم مهرماه ۱۳۶۰ توسط منافقین ترور شد. وی نویسنده توانمندی بود که افکار انقلابی خویش را در قالب مقاله، طنز، شعر و سرود و به روشهای متنوع و گوناگون عرضه کرده است که نمونه ای از پیوند عدالت و معنویت در اوست.

با شما هستیم که «مصدق»ی هستید و دروغ می گوئید! شما که «خلق مسلمان»ی بودید و حالا مسلمان تر از خلق شده اید و شما که «توحید» را خوب می نویسید و «تضاد» را خوب عمل می کنید! و شما که معلم اخلاق



باید بسیجیان جهان اسلام در فکر ایجاد حکومت بزرگ اسلامی باشند و این شدنی است، چرا که بسیج تنها منحصر به ایران اسلامی نیست، باید هسته های مقاومت را در تمامی جهان به وجود آورد و در مقابل شرق و غرب ایستاد.
امام خمینی (ره)